هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

کمیسیون کنونی انتخابات صلاحیت برگزاری دور دوم را ندارد

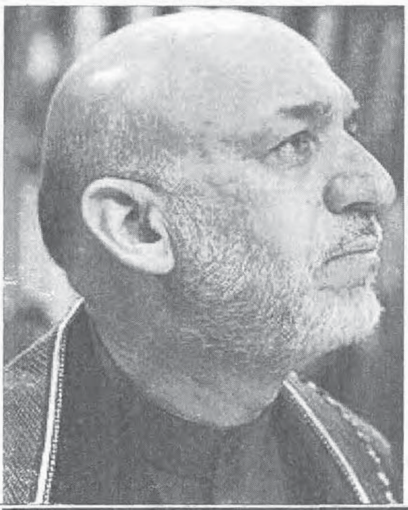
ص۲

در حاشیهٔ بحثی پیرامون شهادت از دیدگاه سخنوران

ص۴

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ سی ام ۲ عقرب- ۱۳۸۸ -۵ ذو القعده۱٤۳۰ 24-octobr 2009-

آقای کرزی نتایج انتخابات را پذیرفت
ایستادگی مردم و فشار های جامعه جهانی به ثمر نشست



روزسه شنبه۲۸ میزان آقای کرزی نتایج نهایی انتخابات را که با پایان بررسی های کمیسیون شکایات انتخاباتی مشخص گردید، پذیرفت و اعلان کرد که انتخابات دور دوم ریاست جمهور به تاریخ ۱۶ عقرب برگزارمی شود.

در کنفرانس خبری که جان کیری سناتور امریکایی، کای آیده نماینده سازمان ملل درافغانستان و سفرای کشورهای انگلیس وفرانسه حاضربودند، آقای کرزی وقوع تقلبات گسترده در انتخابات ریاست جمهوری را پذیرفت اما اشاره به شنناسایی و مجازات عاملین این تقلبات نکرد. همچنان رئیس جمهور به ادعای برخی گروه ها سیاسی که خواستار محاکمه عاملین تقلب شده اند اشارهٔ نداشت.

گفته می شود شماری از سیاست مداران خارجی از جمله جان کیری عضوسنای امریکا، کوشنر وزیر خارجه فرانسه، کای آیده نماینده سازمان ملل، خلیلزاد سفیر اسبق امریکا و شماری دیگر تلاش کردند" حامدکرزی را وادار کنند نتایج انتخابات را بپذیرد، قبلا گزارش های وجود داشت که آقای کرزی به کمیسیون انتخابات امرنموده است، اگر کمیسیون شکایات انتخاباتی آرای او را از ۵۰ درصد پائین بیاورد، نتیجه تحقیقات آن ها را رد کند. رئیس جمهور در گذشته خارجیان را متهم کرده بود که در انتخابات مداخله دارند و کوشش می کنند مانع پیروزی وی شوند. اما بالاخره در برابر فشارهای آن ها تاب نیاورد و نتایج انتخابات را بپذیرفت.

ادامه درص۳



د ولسمشری د ټاکنو دوهم پړاو ته تګ، عکس العملونه او ګواښونه

په ۶ مخ

شکست تقلب، پیروزی مردم

ص۳



استفاده بهینه از فرصت ها در دور دوم انتخابات

ص۳



محکومیت جنایات اسرائیل

ص۵



برای تغییرو اصلاحات اساسی در کشور رأی بدهید

ص۲

ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله:
باید مسؤولان ارشد کمیسیون مستقل انتخابات برکنار شوند

این مطلب را آقای فاضل سانچارکی سخنگوی ستاد انتخاباتی داکترعبدالله دیشب در گفتگویی با بی بی سی گفت.

بارها کمیسیون مستقل انتخابات از سوی ستاد انتخاباتی دکترعبدالله و کاندیدای دیگر به جعل و تقلب آراء به نفع آقای حامدکرزی متهم شده است.

این تقلب به گونه یی بوده است که از سوی مقام های سازمان ملل متحد، پیترگالبریت معاون دفتر یوناما و سپس کای آیده و اخیرا دبیر کل سازمان ملل متحد تایید گردیده است.

دبیرکل سازمان ملل آقای بان کی مون پس از تثبیت تقلب و اعلام نتایج نهایی انتخابات رسماً وجود تقلب گسترده و سازمان یافته را در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان پذیرفت وخواستار برکناری بیش از دوصد تن از کارمندان کمیسیون که در تقلب سهیم بودند، شد.

ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله به این باوراست که تقلب کار افراد پائین رتبه کمیسیون نه، بلکه مسؤولان ارشد بودند که این رسوایی تاریخی را سازمان دادند. لهذا آنان جهت برکنارماندن دور دوم انتخابات خواستار برکناری مسؤولان ارشد این کمیسیون مانند رئیس کمیسیون آقای عزیزالله لودین، آقای داوود علی نجفی و معاون او آقای بارکزی و چند نفر دیگر شده اند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

کمیسیون کنونی انتخابات صلاحیت برگزاری دور دوم را ندارد

گروه های مخالف مخصوصا ستاد انتخاباتی داکترعبدالله همواره کمیسیون انتخابات را متهم کرده اند که از یکی اااز نامزدان یعنی حامدکرزی حمایت می کند، آن ها گفته اند درجریان انتخابات بیست ونهم اسد، اعضای کمیسیون با همکاری شماری از مقامات حکومت و گروهی از تقلب کاران، دست به تقلبات گسترده در انتخابات زدند.

این ادعا از سوی منابع بی طرف داخلی وخارجی نیز مورد تایید قرار گرفت، چنانچه باز رسان اتحادیهٔ اروپا حدود یک ونیم میلیون رأی را که بیشتر آن مربوط به آقای کرزی بود، مشکوک اعلان نمود. آقای پیترگالبریت معاون پیشین سازمان ملل درافغانستان نیز چنین اعترافاتی را مطرح کرد. ادعای تقلب اکنون با اعلان کمیسیون رسیدگی به شکایات رسما مورد تایید قرار گرفت. بر اساس تحقیقات این کمیسیون، حدود یک میلیون رای آقای کرزی تقلبی بوده است.

اکنون که تحقیقات رسمی کمیسیون شکایات انتخاباتی ثابت نموده که در انتخابات ۲۹ اسد تقلبات گسترده صورت گرفته است، مسؤولیت این تقلب که جرم آشکاری نسبت به مهمترین رویداد سیاسی کشور می باشد، متوجه کدام اداره می شود؟ آیا مسؤولیت این جرم بزرگ متوجه قوای اجرائیه می شود؟ یا متوجه کمیسیون انتخابات که مسؤول رسمی برگزاری انتخابات بود؟

تشخیص عامل جرم یعنی مجرم را، قبل از برگزاری دور دوم انتخابات برای مشروعیت آن بسیار مهم و ضروری می باشد، اگر مسؤول این جرم شناسایی نشود، مشروعیت دور دوم انتخابات شدیدا زیر سوال می رود.

در انتخابات دور نخست، در برخی مناطق ولسوالان و قومندانان امنیه با استفاده از زور و تهدید مردم را مجبور نمودند به کاندیدای مشخصی رأی بدهند، با وجود ادامه کار آن ها مردم چگونه می توانند به محل های رأی گیری بروند و به صورت آزاد به کاندیدای مورد نظرخویش رأی بدهند.

همچنان در صورتی که مسؤولین کمیسیون انتخابات، همچنان در پست های شان بکار ادامه دهند و حتی در دور دوم انتخابات نیز مدیریت کنند، بدون شک انتخابات دور دوم نیز در معرض تقلب و حق تلفی قرار داشته نمی تواند اعتماد مردم را جلب کند.

یکی از پی آمد های این بی اعتمادی این است که سطح مشارکت در انتخابات دور دوم در پائین ترین سطح تنزل خواهد کرد. پائین بودن سطح اشتراک در انتخابات دور دوم نسبت به دور نخست، می تواند مشروعیت انتخابات را زیر سوال ببرد.

بنا براین برکناری مسؤولین کمیسیون انتخابات و مسؤولین تقلب کار ولایات و ولسوالی ها، جهت برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه ضروری بوده و باید به جای آنان افراد بیطرف که صلاحیت اخلاقی و وجدانی برگزاری و مدیریت یک رویداد مهم سیاسی و اداری کشور را داشته باشند تعیین گردند.

برای تغییرو اصلاحات اساسی در کشور رأی بدهید



احمد مهدی

با اعلان نتایج تحقیقات کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی، رفتن به دور دوم انتخابات قطعی گردید. کار انتخاب در دور دوم در مقایسه بادور نخست، تا اندازه برای شهروندان آسان شده است. چون اکنون رای دهندگان مانند دور نخست، مجبور نیستند که نامزد مورد نظر و یا طرح و برنامه مورد پسند خویش را در میان گروه زیادی از نامزدان و یا در میان جنگلی از طرح ها و برنامه ها جستجو کنند، بلکه رای دهندگان در دور دوم، در برابر دو گزینه قرار می گیرند و یکی از آن دو را انتخاب می کنند.

مردم بدون تردید آن پختگی سیاسی را یافته اند که بتوانند از عهده تعیین سرنوشت شان بر آیند و آینده خویش را برای پنج سال دیگر بصورت درست رقم زنند.

آگاهان امور سیاسی و امینتی کشور باور دارند که ما در یک نقطه عطف از تاریخ کشور خویش قرار گرفته ایم و متأسفانه وضیعت امنیتی، سیاسی و نظامی در کشور به وخامت گراییده و به بحران پیچده تبدیل شده است.

آنچه که مسلم به نظر می رسد این است که این بحران را نمی توان با راه کارها و ابزار های موجود حل کرد، بلکه برای حل آن ما نیازمند تغییرات اساسی و راه کار ها و ابزار های جدیدی می باشیم.

یک مقایسه میان بر نامه ها و طرح های دو نامزد یعنی داکتر عبدالله و حامد کرزی، روشن می سازد که طرح ها و برنامه های آقای کرزی، طرحها و برنامه های است که وی از سال ۱۳۸۰ بدین سو، یعنی در مدت هشت سال گذشته آن رایکار بسته است، اما متاسفانه به علت ضعفها عمده و ناکار آمدی این طرحها و برنامه ها، وضیعت کشور بصورت فزاینده و مداوم بسوی بحران و وخامت بیشتر پیش رفته، وضعیت امنیتی با گذشت هروز بحران تر شده، و دامنه جنگ از جنوب و شرق، به شمال و غرب گسترش یافته است، وضعیت اقتصادی نیز بدتر شده، فقر بیش از بیش زندگی را برای اکثریت شهروندان غیر قابل تحمل گردانیده است.

فساد در تمام بخشهای حکومت افغانستان ریشه دوانیده و آن را به یکی از چهار فاسد ترین حکومت های دنیا تبدیل نموده است. تقلب در انتخابات ۲۹ اسد با آن گستردگی که صورت گرفت، نمونه روشن دیگری از فساد بی لگام در حکومت آقای کرزی است

پی آمد های حتمی ادامه چنین اداره و حکومتی ، نابودی مصالح علیای کشور، فساد بیشتر، فقر روز افزون و بد امنی و جنگ گسترده تر خواهد بود. آن های که به دلایل مختلف تمایل دارند از ادامه این حکومت حمایت کنند، باید هشیار باشند که روزی این پیامد ها گریبان آن ها را نیز خواهد گرفت.

پارلمانی ساختن نظام که با ایجاد پست صدارت قدرت را بصورت عمودی میان دولت، حکومت و پارلمان تقسیم می کنند و تفکیک قوا، دموکراسی و مشارکت و اقعی مردم را بر جسته می سازد. با انتخابی ساختن والیان، ولسوالان و شهردار ها و دادن صلاحیت به آنها قدرت بصورت افقی میان مردم توزیع می گردد.
این اصلاحات می تواند نظام افغانستان را از حالت تمرکز گرایی نجات دهد، زمینهٔ نظارت بیشتر قوه اجرائیه را از سوی پارلمان و قوه قضائیه ممکن گرداند و مشارکت واقعی مردم را متحقق سازد.

حال زمان آن فرار رسیده است که مردم افغانستان بدون تمایزات زبانی، نژادی و فرقه ای برای نجات کشور و آینده بهتر، از تغییر وضیعت حمایت کنند و راه را برای اصلاحات هموار سازند.

عوامل ناکامی های حکومت افغانستان اکنون بیش از پیش آشکار تر شده است، عیوب ساختاری عمده ترین عوامل ناکامی این حکومت دانسته می شود، حکومت کنونی محصول توافقاتی است که در اجلاس بن بر اثر مداخلات گسترده خارجیان و تحت تأثیر سیاست انتقام جویی امریکا به میان آمد، در ادامه توافقات بن، قانون اساسی کنونی در لویه جرگه اضطراری ۱۳۸۲ بنابر خواست امریکا توسط خلیل زاد نماینده آن کشور و با استفاده از اختلافات قومی یر نمایندگان ملت تحمیل شد، هدف این قانون به میان آمدن زمامداری بود که همه قدرت در دست او متمرکز باشد و امریکا سیاست های مورد نظرش را به این زمامدار قدرتمند وابسته دیکته کند و نیازی نداشته باشد تا به منابع گوناگون قدرت تماس برقرار نماید.

اکنون به اثبات رسیده است که این قانون اساسی، راه کار درستی برای اداره و حل بحران در کشور نبوده باید نظام از چنین ساختار مرکزیت گرا که تفکیک قوا و نظارت ارگانهای انتخابی را بسیار کمرنگ ساخته است نجات پیداکند.

طرح های داکتر عبدالله که از حمایت بزرگترین و فراگیرترین گروه سیاسی کشور یعنی جبهه ملی برخوردار است می تواند این تغییر را ایجاد کند.

داکتر عبدالله می خواهد قدرت را در دو راستا یعنی بصورت عمودی و افقی توزیع نماید و به سیستم مرکزیت گرای کنونی ار راه های قانونی و با مراجعه با آرای مردم پایان بخشد.

پارلمانی ساختن نظام که با ایجاد پست صدارت قدرت را بصورت عمودی میان دولت، حکومت و پارلمان تقسیم می کنند و تفکیک قوا، دموکراسی و مشارکت و اقعی مردم را بر جسته می سازد.

با انتخابی ساختن والیان، ولسوالان و شهردار ها و دادن صلاحیت به آنها قدرت بصورت افقی میان مردم توزیع می گردد.

این اصلاحات می تواند نظام کنونی افغانستان را از حالت تمرکز گرایی نجات دهد، زمینهٔ نظارت بیشتر قوه اجرائیه را از سوی پارلمان و قوه قضائیه ممکن گرداند و مشارکت واقعی مردم را متحقق سازد.

استفاده بهینه از فرصت ها در دور دوم انتخابات

سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل



رفتن انتخابات به دور دوم که گشایش صفحه جدیذی در تاریخ سیاسی افغانستان به حساب می رود اگر از یک طرف ادعای تقلب را به کرسی حقیقت نشاند و ثابت کرد که این همه پا فشاری ها و صف بندی هایی برای انانیت های گروهی، سمتی و قومی نبوده بلکه حرکت های بودند در راستای جلو گیری از بازی با اراده و خواست مردمی که صادقانه به پای صندوق های رأی رفتند تا نقش خود را در تعیین سرنوشت سیاسی خویش تعیین کنند.

از جانب دیگر این حقیقت را در اذهان احاد ملت ثبت کرد که ثبات و استقامت در راه هدف و ایمان به آن، اساسی ترین عامل پیروزی حرکت های سیاسی و اجتماعی به حساب رفته و نمی توان حرکت های برخوردار از چنین پشتوانه را با خدعه، فریب، و تطمیع بیراه کرد و همین عامل است که می توان آن را مقایس پیروزی در هر حرکتی عنوان نمود.

سومین نکته که دراین راستا میتوان بر آن تاکید کرد، همانا عدم کارایی محاسبات قبلا جا افتاده در بازی های تخت و تاج گیری و نشستن بر اریکه قدرت از طریق سران قبیله، مرشدان و رموز قومی و ... بود که قرار گرفتن در پهلوی مردم برهمه آن محاسبات یاد شده پیروز گردید.

افزون برآنچه یاد شد، بازشدن چنین افقی در زندگی باشندگان این سرزمین که عمری خواست و اراده آنان قربانی آزمندی های این و آن بوده است، پیام دیگری نیز با خود دارد: که بازی با اراده مردم، بازی با دم شیر بوده و پیامدآن همانا از دست دادن اعتماد مردم و مسخره قرار گرفتن چنین اشخاص و گروه ها در معرکه های سیاسی می باشد.

شاید برخی ها بر این باور ترکیز داشته باشند که در دور دوم انتخابات مردم نسبت به آن اعتماد خود را از دست داده و رفتن به پای صندوق های رای نسبت به دوره اول کمرنگ باشد.

ولی بررسی های جامعه شناسانه عکس این نظر را به خوانش گرفته و براین امر تاکید می ورزد که دراین دوره باور مردم نسبت به صداقت قسمی نهادهای داخلی وخارجی دراین مورد قوی تر و پر رنگ تر بوده و به این امید رسیده اند که جهاتی در سنگر مراقبت از تقلب و خیانت به آرای آنان، وجود دارند که از آن نظارت می کنند.

بناء برخلاف آنچه ادعا می شود، شاید در اکثر مناطق کشور، - در صورتی که حرکت های تخریبگرانه طرح ریزی نشوند- رفتن به پای صندوق های رای پر رنگ تر و پر شور تر باشد.

ولی پرسش اساسی در این زمینه همانا چگونگی استفاده از این فرصت های است که به تعقب رفتن انتخابات به دور دوم، به میان آمده است.

بیرون ماندن کاندیدان طرف توجه مردم از دائره انتخابات دراین دوره، خلق روحیهٔ جدید درمیان رأی دهندگان درپی برملا شدن تقلب و ایجاد این امید که خیانت دراین راستا از نظرها پنهان نمی ماند، دلزدگی مردم از فساد حاکم در عرصه های مختلف زندگی و باالاخره گرایش عام به نو گرایی و کهنه زدای در رهبری سیاسی کشور .... همه وهمه زمینه و فرصت های است که دراختیار جریان حریف رهبری حاکم در دور دوم انتخابات قرار گرفته است.

استفاده بهینه و آگاهانه از این فرصت ها و زمینه ها، ضامن پیروزی آن جناحی خواهد بود که از شایستگی و صلاحیت استفاده از این زمینه ها برخوردار است.

بدون شک تهیه و آماده کردن راهکار و برنامه جدید در بسیج آرای مردم از طریق رسانه های شنیداری و دیداری و گفتاری و همایش های و سیع مردمی ضمیمه این شایستگی وصلاحیت بوده و گزینش شخصیت های دارای شهرت نیک در هر نهاد و توظیف آنان در جهت تحقق این هدف گام های بلندی در رسیدن به این آرمان و مطلب است.

نکته اخیر هم این که به دور از تقسیم بندی های اقوام به نام های این وآن از همین حالا، باید از طریق همایش ها، ذهنیت اقشار و گروه های مختلف ها روشن گردد و منافع علیای مملکت و اقوام باشنده این سرزمین عنوان شود، نه منافع فلان وبهمان و درنهایت گامی برداشته شود در راستای شعار تغییر که کشور ما از مدت ها بدین سو تحقق آن را در دل ودماغ خویش می پرورد و به امید آن لحظه شماری می کند.

شکست تقلب، پیروزی مردم

فقیری



به روز سه شنبه ۲۸ میزان، اعلام گردید که هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری آرای لازم پنجاه فی صد به علاوهٔ یک را به دست نیاوره و در ۱۶ عقرب، دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد!

گرچه هنوز معلوم نیست که در دور دوم چه کسی برنده خواهد شد، ولی رفتن انتخابات به دور دوم، حایز اهمیت اساسی است:

۱- به وضوح نشان می دهد که در دور اول، تقلب و دستبرد فراوان وجود داشت و با کسر آرای تقلبی، میزان رأی کاندیدای حکومت در حدود هفت درصد کاهش یافت.

۲- اقای کرزی با صراحت و روشنی، فیصلهٔ کمیسیون شکایات و کمیسیون انتخابات را پذیرفت و آن را برحق و مطابق قانون دانست! این صراحت، اعتراف صریحی بود بر تقلب در انتخابات و زانو زدن در برابر احکام قانون! ایکاش همواره چنین بود و قوانین کشور مکرراً نقض نمی شد!

۳- این که تقلب و تخلف و تخطی پنهان نماند و مردم و کاندیدای مقاوم (داکتر عبدالله عبدالله) با ثبات و استقامت کم نظیر از حق مردم و رای مردم دفاع نمود و باوجود هیاهو ها و افواها، هرگز به سازش و نرمش تن نداد و تطمیع نشد، یکی از رویدادهای مهم و درخشان در تاریخ معاصر سرزمین ماست. نخست حکومت از انتخابات شفاف و عادلانه صحبت می کرد و حاضر نبود به وجود تقلب اعتراف نماید و در جریان مبارزات اصولی و قانونی سایر کایدیداها و بخصوص داکترعبدالله، حاضر شد تا اعتراف کند که تقلب صورت گرفته ولی میزان آن را بسیار ناچسز جلوه می داد! در آخر امر مجبور به اعتراف صریح و کامل شد و با پذیرش فیصلهٔ کمیسیون شکایات و اعلام کمیسیون انتخابات، تقلب گسترده را پذیرفت و آمادگی خود را برای دور دوم اعلام داشت.

۴- اگر چنین می شد و از تقلب توسط هم چشم پوشی صورت می گرفت، ویا بعد از اعلام نتایج ابتدایی سکوت می شد و از حق مردم و رأی مردم با قاطعیت دفاع نمی شد و یا وارد بازار معامله گری می شدیم و رأی و اعتماد مردم را (خدای ناخواسته) به بهای اندک می فرختیم و ... پس باور و اعتماد مردم را نه تنها نسبت به خود از دست می دادیم، بلکه مردم ما به دموکراسی و انتخابات بی باور می شدند و دیگر نه دموکراسی ارزشی داشت و نه انتخابات!

عزت و آبروی مردم افغانستان و حکومت افغانستان نزد جهانیان از بین می رفت و چنین پنداشته می شد که ما به این ارزش ها باور نداریم و توان راه اندازی انتخابات سالم، شفاف و آزادانه را نداریم و هرگاه تقلب و تخلفی روی بدهد، نمی توانیم جلو آن را بگیریم و...

۵- بالاخره گفته شد که حدود یک میلیون و یکصد هزار رأی تقلب شده بود که بیشترین آن متعلق به کاندیدای حکومت است! و اکنون که روشن شد، چنین تقلب گستره صورت گرفته و فیصله شد که انتخابات به دور دوم برود، ولی سوال مهم و اساسی دیگر این است که با تقلب کاران چه معامله ای صورت خواهد گرفت؟

ایستادگی مردم و فشار های جامعه جهانی به ثمر نشست

ادامه از صفحه اول



نتایج نهایی انتخابات نشان میدهد که آقای کرزی حدود ۴۷ درصد و آقای عبدالله حدود ۳۱ درصد آرا را در دور اول بدست آورده و هیچ یک نتوانسته نصاب ۵۰ درصد جمع یک راتکمیل نماید، بنابراین براساس قانون، انتخابات به دور دوم می رود که در آن آقای کرزی و داکترعبدالله به رقابت می پردازند.

داکترعبدالله، در یک نشست خبری به تاریخ ۲۹ میزان از نتایج انتخابات اظهار رضایت نمود و آمادگی خویش را برای شرکت در دور دوم اعلان کرد.

داکترعبدالله ضمن تاکید بر برگزاری انتخابات شفاف وآزاد اعلان کرد که شرایطی را جهت تامین شفافیت انتخابات در آینده نزدیک تسلیم منابع مربوط خواهدکرد. برخی از همکاران داکترعبدالله، برکناری مسؤولین کمیسیون انتخابات که ناکامی خود را در برگزاری دور اول به اثبات رساندند، تقاضا نمودند. آن ها تاکید دارند که بدون تغییرات در این کمیسیون برگزاری انتخابات شفاف نا ممکن است.

رفتن انتخابات به دور دوم با استقبال گسترده درخارج از افغانستان روبرو شد، باراک اوباما رئیس جمهور امریکا با تماس تیلفونی با داکترعبدالله و آقای کرزی از رفتن انتخابات به دور دوم اظهار خورسندی نمود.

دولت های انگلیس و فرانسه نیز از رفتن انتخابات به دور دوم حمایت خود را اعلان نمودند.

بان کی مون تاکید کرد که تدابیر شدید تری جهت تامین شفافیت انتخابات در دور دوم بکار خواهد بست، وی اعلان کرد، ناظران بیشتری خواهد فرستاد و ۲۰۰ تن از مقامات کمیسیون انتخابات را برکنار نموده است.

کمیسیون انتخابات پس از یک روز، نتایج بررسی های کمیسیون شکایات را پذیرفت و آمادگی خویش را برای برگزاری دور دوم در وقت مقرر آن اعلان کرد، این کمیسیون تصریح نمود که امکانات مالی برگزاری این دور را در اختیار دارد.

کمیسیون انتخابات با آن که نتایج بررسی های کمیسیون شکایات را که در آن تقلب های گسترده به اثبات رسیده است پذیرفت اما از بدوش گرفتن مسؤولیت تقلب شانه خالی کرد. گروه های مخالف حکومت ادعا دارند، کمیسیون مذکور با ساختارکنونی که در دور اول اجازه داده است، آن همه تقلبات صورت گیرد، صلاحیت برگزاری دور دوم انتخابات را ندارد.

اغراق

در حاشیهٔ بحثی پیرامون شهادت از دیدگاه سخنوران

عبدالقیوم ملکزاد

عصرگاه غم آلود روزهجدهم سنبلهٔ سال سیزده هشتاد هجری- آفتابی، حینی که خبرشوک آور شهادت سپهسالار نامدار اسلام (احمد شاه مسعود" رح ") دراثرحملهٔ دو تن از تروریستان گرگ کردار، برسر زبانها افتاد، شنیدن این حادثه برای هیچکس یک اتفاق کوچک تلقی نمی شد، بلکه حادثه چنان بزرگ و تکاندهنده بود که حتی شنیده شد برخی از دوستداران وهواخواهان وی ازشدت اندوه وناراحتی ، دچار سکته مغزی شدند . ملیون ها انسان درقبال این حادثه فکرکردند که گویی کوه بزرگی ازماتم ودرد و غم ویاس برسرشان فرود آمده است .

آری ! ازپی چنین فاجعهٔ بزرگ نه تنها مردم، بلکه آسمان نیزجامهٔ سیاه سوگ برتن کرد واز درد وداغ وغم به اشک افشانی پرداخت .

سید فضل احمد پیمان یکی از شعرای جهاد و مقاومت هم برای بیان چنین حادثهٔ عظیم، سوگنامه یی انشاد کرده. حادثه یی که به گفتهٔ شاعر، چنان می نماید که جهان درماتم و نبود بزرگمردی که مایه امید و مظهر مهرملیون ها انسان بود، دگرگون شده است .

ما، ضمن آوردن مطلعی از مرثیهٔ شاعر یاد شده ، می خواهیم تا نوشته حاضر با یک بحث ادبی توأم باشد که امید واریم بی ارتباط به موضوع تلقی نگردد .

پیمان می گوید:

آسمان باز همی گریه کند خون، یاران
گشته اوضاع جهان سخت دگرگون، یاران

بیت بالا، به بزرگی وگستردگی حادثه یا مصیبت دلالت دارد ، درعین اینکه ازلحاظ صنعت ادبی، دربرگیرندهٔ لحنی است آمیخته با اغراق وغلو؛ واین گونه ادعا ها صورت نمی گیرد مگردرموارد استثنائی ویا برای اعلام حادثهٔ بسیارغمبارو تکاندهنده .... کاری که سخنوران زیادی با کسب آگهی از مصیبت عظیمی همانند به خون غلتیدن سرداررشید اسلام : مسعود بزرگ به آن مبادرت ورزیده اند .

دلایلی را که "پیمان" برای ادعا آورده ، بعداً می پردازیم .ولی پیش ازآن توضیحی داریم پیرامون گریستن آسمان ازدیدگاه سخن سازان ، درسوگ بزرگمردان ورجال تاریخ سازومحبوب نظیرقهرمان ملی افغانستان!

طوری که می دانیم ، زبان شعردرپهلوی ویژه گی های دیگری که دارد ، زبان هیجانات بزرگ وتحریک عواطف واحساسات وبرانگیختن اعجاب وشگفتی ها است ،با این وصف هرگزنمی توان انکارکرد که شهادت سپهسالارسنگرداران جهاد افغانستان (احمد شاه مسعود) برای دوستداران وهواخواهانش - طوری که درفوق ازآن اشارت رفت - چنان تلخ و ناگوارتمام گردید که بسیاری ها با شنیدن آن فکرمی کردند درنظرشان قیامتی برپا شده وبرخی ها طوری تصور می کردند که این تنها چشم های آنها نیست که دراین مصیبت جانکاه اشک وخون فرو می بارد ، بلکه عالمی به سان ایشان وحتی آسمان هم به اشک افشاندن وخون ریختن می پردازد:

دوشم فغان وناله به هفت آسمان رسید
دود م زدل بر آمد و آتش به جان رسید

درحالی که امرمسلم اینست : دگرشدن جهان - که پیمان درمصرع دوم شعرش ادعا کرده - جزبا آمدن رستخیزمتحقق نمی شود.

درباره " باریدن خون از آسمان " باید گفت که : درسروده های زیادی ادعا های مشابه به آن صورت گرفته است و ذکرچنین مسایل برای غلو واغراق است که پیرامون آن اشاراتی در ذیل به عمل خواهد آمد .اما درمورد " باریدن خون ازآسمان " باید گفت که :هرچند روایت هایی ازبرخی ازپیروان مذهب تشیع وجود دارد که درآن آمده است :

"لما قتل الحسین اسودت السماء وظهرت الکواکب نهاراً حتی رأیت الجوزا عندالعصروسقط التراب الاحمر."

یعنی :« هنگامیکه امام حسین (رضی الله عنه) به شهادت رسید، آسمان تیره وتارشد وستاره ها در روز مشاهده شدند ومن ستاره هارا در روزمشاهده کردم . همچنین درآن روز خاک سرخ ازآسمان پاشیده شد. »

از تفصیل موضوع دراین جا می گذریم، اما این را علاوه می داریم:احتمالاً با اتکا برهمین روایت می باشد که مسالهٔ " خون گریستن آسمان" سوژه یی برای اکثر اشعارتعزیه قرارگرفته است. چنانچه:

آسمان خون گریه کن هنگامهٔ شوروعزاست
عترت وآل نبی سرگشته در دشت بلا است

معلوم است که موضوع بیت بالارا شهادت جانگدازنواسهٔ پیامبربزرگواراسلام تشکیل می دهد.

می توان گفت : درمورد فوت ویا کشته شدن شخصیت های دیگری نیز سروده هایی باهمین روحیه فرا اختیاراست . چنانچه سعدی (رح) دربیتی سروده است :

آسمان را حق بود تاخون بگرید برزمین
بر زوال ملک مستعصم امیرالمومنین

ویا مد شاعردیگری می گوید:

در دشت بلا تیر و سنان می بارد
گویی که فلک خون به زمین می کارد

ونیز:

درغم این عاشقان ، چشم فلک خون فشان
داغ جدایی به دل، آتش حسرت به جان

گویند:

هنرشاعری آنست که ازهمه خواص کلمه- چه لفظی وچه معنوی - برای انگیختن خیال ، یعنی ایجاد حالتی نفسانی در ذهن شوند، استفاده شود.

"دنیس هالیکارناسی "نوشته است :

" کلمات شعرتنهابرای اشاره به اشیاء وامور به کارنمی روند، بلکه باید حالت ها وخیال هایی را در ذهن القا کنند."

ازهمین روست ، نخستین تعریفی که ازشعرکرده اند ، اینست که :

" شعرسخنی خیال انگیزاست ."

درعین حال شکی نیست که آوردن جملات ویا عباراتی مشابه به بیت شاعرمورد بحث (ف - پیمان سوگوار) ، که گفته است :

آسمان باز همی گریه کند خون یاران
گشته اوضاع جهان سخت دگرگون یاران

- جامه اغراق وغلو را به تن دارد که برای برانگیختن رقت و اعجاب وشگفتی و یا جلب توجه جدی خواننده ویا شنونده گفته شده است .

اغراق - که یکی ازصنعت های ادبی است - " برمبنای تظاهر به ندانستن حقیقت امرشکل می گیرد . "

ادبا را عقیده برآنست که :" اصولاً زیاده روی وافراط درستایش ونکوهش کسی یا چیزی یا امری به دلیل بی اطلاعی شاعرازکم وکیف صفت ستوده ویا نکوهیده درشخص مورد نظرنیست ، بلکه دقیقاً شاعرترجیح می دهد وانمود کند نمی داند که مثلاً صفت جود وبخشندگی در شخصی به حد طبیعی است ، و در نتیجه خود را مجازمی داند که در سخن گفتن ازآن مبالغه کند.

مثلاً آنجا که فردوسی می گوید :

ز سم ستوران در آن پهند شت
زمین شد شش وآسمان گشت هشت

شاعرترجیح می دهد وانمود کند که گرد وخاکی که سم ستوران بلند می کنند ، درحدی نیست که بتوانند یک طبقه ازهفت لایهٔ زمین را بلند کند و به آسمان ببرد . طوری که هفت لایهٔ آسمان تبدیل به هشت لایه شوند.

شاعرچنانکه هنگام استفاده ازاین صنعت ادبی ، تردیدی ازخود نشان بدهد و مثلاً بگوید: " انگار زمین شش طبقه شده - یا اینطور به نظر می رسد که ...- یا چنین گمان می رود که .... " دیگرنمی توان این مبالغه واغراق را تظاهر به نادانی انگاشت . چرا که شاعرتردید خود را ابراز داشته است . اما وقتی با قطعیت ویقین حکم می کند، درآنجا که سعی می کند خودرا ازواقعیت امر بیخبرنشان دهد ، می شود آنرا تظاهربه آگاهی دانست . نظیر:

ودریای شهرمان <> چنان خسته است <> که عنکبوت <> برموج هایش تارمی بندد
(گروس عبدالملکیان)

مهم نیست <> کدام سنگ <> سنگها یک روزتمام شوند <> به خودت که می آیی <> می بینی <> زمین را سمت یک تانک پرت کرده یی
(علی اسداللهی) ".

توسل به اغراق یا اغراق گرایی مولود اندیشهٔ شاعران معاصرنیست ، بلکه سرودن اشعار اینچنینی با الهام از مراثی سخنوران متقدمی چون سعدی - که گفته بود :

آسمان را حق بود گرخون بگرید برزمین
...

ویا با الهام از رزمی فردوسی و...، صورت می گیرد . یعنی با الهام ازآنهایی که نه تنها آنچه را که تبیین کرده اند ، حمل بر نا درستی وکذب نمی گردد، بلکه به مصداق قول معروف:" چون اکذب اوست احسن او" تراویدهٔ فکری آنها توأم با زیبایی ودلانگیزی خاصی نیزمی باشد . و این گفته گویای آنست که :

"عرف مردم درهرجامعه درمواردی مبالغه را مجاز دانسته است . ازآن جمله درشعر ودر نامگذاری .

مثلاً کسی نام خود را جاوید می گذارد . درحالی که این کلمه برای مخلوقات هیچ مصداق ندارد .

چنانچه ادیب الممالک فراهانی درمدح امیرنظام گروسی گفته بود :

الا تا جهان جاودان ازتوخرم
بمانی همی جاودان وجاودان !

(بینش نو)

ازهمین خاطر است که گفته شده :

" یجوز للشاعرما لا یجوز للغیر"

یعنی : آنچه گفتنش برای شاعر روا ست ، بردیگران جایزنیست .

اینک چند نمونه ازاغراقی که درکلام شعرا جلب توجه می کند:

ظهیر فاریابی :

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیرپای
تا بوسه بررکاب قزل ارسلان نهد

انوری ابیوردی :

رتبت توبرتو مقصود است چون خورشید ونور
چون تویی را ازوزارت کی فزاید احترام ؟
صاحبا ، صدرا، خداوندا ، چه خواندم درندات
کز علو پایه ، و صفت می نگنجد در کلام

صوفی عشقری :

عشقری درچشمت مو فتاده
ورنه آن شوخ را کمرنبود

خاقانی :

زبسکه برسر کوی تو اشک ریخته ام
زلعل دربرهر سنگ دامنی است مرا
فلک موافقت من کبود در پوشید
چو دید به هرلحظه شیونی است مرا
به دا م عشق تو درمانده ام چو خاقانی
اگرنه بام فلک خوش نشیمنی است مرا

همینطور ، " مانند دیگرطرفداران نازکخیالی ومعنای بیگانه دیوارهای بین مبالغه وغلو واغراق فرو می ریزد وهرنوع بزرگنمایی بی "پیمانه کارکردهنری وشگرد شاعری شناخته می شود":

ازآن آتش که زد درکوه وصحرا نالهٔ مجنون
هنوز از روزن چشم غزالان دود می خیزد

یا :

چون زند جوش زبردستی محیط اشک من
پنجهٔ خورشید را سر پنجهٔ مرجان کند

ویا :

ندارد در تو فریاد گرفتاران اثر ور نه
زعاجزنالی من خون زچشم دام می آید

ونیز:

نزاکت آنقدر دارد که در وقت خرامیدن
توان ازپست پایش دید نقش روی قالی را

ویا ... بحری سروده است :

ز سایهٔ مژهٔ چشم مور بست قلم
چو می کشید مصور دهان تنگ تُرا

***

مطلع سوگنامهٔ " پیمان " سخن ما را به درازا کشاند واکنون برمی گردیم به بقیهٔ شعراین شاعر اشک افشان ، که گاهی "سوگوار" تخلص می کند:

مرثیهٔ پیمان - که دررثای سپه سالاررشید اسلام :شهید احمدشاه مسعود- انشاد شده ، بالغ برسی بیت می باشد که پیچیدن پیرامون هریکی ازآن ها بحث را به درازا می کشاند . ولی به گونه یی که درجستارآغازین اشاره کرده بودیم ، کارما دراین سیروسفر،گلچینی است .به تاسی ازهمین شیوه،مکثی می کنیم به یک بیت دیگرشاعرکه درآن سخن ازچیره شدن یاس وبیزاری اززندگی رفته است . یعنی او زندگی را ازآن جهت برای خود خواهان نیست که " علمدارسترگ" جهان را ترک گفته است :

رخت بربست چو ازعرصه علمدارسترگ
نیست زیبندهٔ ما زیستن اکنون ، یاران !

درابیات پسین شاعررا اندوه وتأثری دست داده که لحن فریاد اکثرمرثیه سرایان مشابه به آن ارائه شده است . توجه کنید :

باز ازسنگرما سرور و سرداری رفت
همدلی همنفسی، مونس وغمخواری رفت
کاروان را کی شود سوی ظفر راهنمون
کز بر همسفران، قا فله سالاری رفت

با مقطع این مرثیه - که توأم با دعا بر روان پاک آن شهید بزرگوارمی باشد - بحث کنونی راجع به سوگنامهٔ پیمان را نیز نقطهٔ پایان می گذاریم :

جاودان جای تو در روضهٔ رضوان بادا
دشمنت خوار و سرافکنده به دوران بادا

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری پیامدها – چالش ها

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

قبولی این نتیجه از سوی تیم آقای کرزی کار اسانی نبوده است، بلکه نتیجه و فرایند این کار را می توان ناشی از فشار رسانه ها، جامعهٔ جهانی و پافشاری ایالات متحدهٔ امریکا و متحدان آن عنوان کرد تا این که آقای کرزی نتیجهٔ کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات را پذیرفت و مردم را تشویق نمود تا به دور دوم انتخابات شرکت ورزند و کشور را از حالت بلاتکلیفی نجات دهند:

از آغازین روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۹ اسد سال روان در کشور، یک موج بزرگی از ادعای تقلب، جعل، تزویر، در مورد انتخابات در رسانه های داخلی و خارجی به راه افتاد و لبهٔ تیز این انتقادها را متوجه حاکمیت ساخت که خواب قدرت را می دیدند و خود را وارثان بالاستحقاق این سرزمین می خواندند.

تقلب انتخاباتی تیم آقای کرزی را چنان عصبی و خشم آلود ساخته بود که حتی دوستان دیروز خود یعنی خارجیان را نیز هدف قرار می دادند و آن ها را متهم به مداخله در امور انتخابات نمود و بازنگری ها را در برگه های صندوق های رأی را یک حرکت سیاسی می خواند.

به طور یقین در ظرف دوماه جریان تقلب یک پوشش بزرگ خبری را در سطح ملی و بین المللی بخود اختصاص داد، تا این که جامعهٔ جهانی را نیز نگران ساخت، و آن ها به بررسی های خویش در این مورد پرداختند. موضوع تقلب جانب کرزی وقتی به قطعیت گرائید که معاون ملل متحد در خصوص انتخابات تعداد آرای مشکوک و تقلبی جانب کرزی را دومیلیون و یکصد هزار رأی عنوان کرد. و این انتخابات را یکی از رسواترین انتخابات در سطح جهانی خواند.

در نتیجه جامعهٔ جهانی، به ویژه امریکا و متحدان آن به این انتخابات مشکوک گردیدند و پیروزی آقای کرزی را از طریق این انتخابات نامشروع و تقلبی خواندند. در نتیجهٔ بازشماری صندوق های مشکوک که دوماه را دربرگرفت، چانس برای آقای کرزی یاری نکرد و سرانجام مجبور گردید تا نتیجه این انتخابات را که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اعلان شد، بپذیرد.

قبولی این نتیجه از سوی تیم آقای کرزی کار اسانی نبوده است، بلکه نتیجه و فرایند این کار را می توان ناشی از فشار رسانه ها، جامعهٔ جهانی و پافشاری ایالات متحدهٔ امریکا و متحدان آن عنوان کرد تا این که آقای کرزی نتیجهٔ کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات را پذیرفت و مردم را تشویق نمود تا به دور دوم انتخابات شرکت ورزند و کشور را از حالت بلاتکلیفی نجات دهند.

دور دوم انتخابات در شرایطی عنوان می گردد که تمام تلاش ها و گمانه زنی ها جهت ایجاد یک حکومت ائتلافی واعلان حالت اضطرار نتوانست اقای کرزی را از این مخمصهٔ سیاسی نجات دهد. روزهای اخیر افغانستان شاهد تلاش های سیاسی زیادی در مورد نتیجهٔ انتخابات ، مشارکت ملی و تقسیم قدرت در میان اهرم های سیاسی بوده است که میتوان از سفر خلیلزاد، نمایندهٔ امریکا در ملل متحد، سفر وزیر خارجه فرانسه، و اخیراً سفر رئیس کمیتهٔ خارجی مجلس سنای امریکا آقای جان کیری نام برد. بیمورد نیست که هردو طرف ، هم جانب آقای کرزی و هم جانب ایالات متحدهٔ امریکا فشارهای بر یکدیگر وارد می نمودند. طوری که اقای کرزی امریکا و انگستان را متهم به مداخله در امور انتخابات در افغانستان می نمود و وزیر خارجهٔ آقای کرزی نیز ملل متحد را به واخله در امور افغانستان ساخت که خیلی خنده آور و مضحک بود. تا این که آقای کرزی، تسلیم فشارهای داخلی و بین المللی گردید و در یک نشست خبری شام روز سه شنبه ۲۸ میزان که رئیس کمیتهٔ خارجی مجلس سنای امریکا نیز شرکت داشت، نظر کمیسیون مستقل انتخابات را پذیرفت و به تقلب اعتراف کرد و اقدام کمیسیون را یک اقدام برحق و قانونی خواند و نتیجهٔ دور دوم انتخابات را یک مرحلهٔ مردم سالاری در کشور عنوان نمود و از مردم خواست در دور دوم انتخابات شرکت ورزند.

ددور انتخابات افزون بر دشواری های که در قبال دارد می توانند نظر به مفاد قانون اساسی افغانستان در مورد انتخابات یک حرکت قانونمند در کشور تلقی گردد. از جانب دیگر رفتن به دور دوم انتخابات در حقیقت یک مشت کوبنده در برابر جعل کاران و کسانی که تشنه قدرت حتا از راه های غیر مشروع در کشور می باشند، باید این انتخابات در ظرف دو هفته صورت بپذیرد که رفتن به دور دوم در اوضاع و شرایط افغانستان مشکل تر از دوراول در کشور خواهد بود، بی ثباتی کشور گسترش فعالیت های مخالفان دولت که بعد از انتخابات ۲۹ اسد درافغانستان شتاب بیشتر یافته و از همه مهمتر عدم حضور مردم در این دور نظر به دلایل امنیتی و عدم شفافیت از نتایج می باشد، این و موارد دیگر از چالش های عمده این دور انتخابات محسوب می شوند.

رفتن به دور دوم انتخابات اعتبارکشورهایی را که درافغانستان حضور نظامی وسیاسی دارند، بلند خواهد برد، امریکا و متحدان آن از همین حالا آن را بازگشت به یک حکومت مشروع و مردم سالار عنوان می کنند، از سوی دیگر جامعه جهانی کمتر علاقمند می باشد با یک حکومتی که از راه های غیر مشروع قدرت را غصب نماید، همکاری نماید. اما سخن حساب شده دراین خصوص این است که آیا تضمین وجود خواهد داشت که دور دوم انتخابات سالم، شفاف و دور از دغدغه جعل و تزویر بوده باشد، زیرا در شرایط بد امنی و وجود گسترده مخالفان امکان هر نوع تقلب و فریب درکشور وجود دارد. ناظرین داخلی و بین المللی اگر بتوانند به طور دقیق و شفاف از جریان انتخابات نظارت کنند، می شود به نتایج آن امید وار بود. درغیرآن دور دوم انتخابات یک دور تسلسل باطل خواهد بود که نتیجهٔ آن دامن زدن به نفاق ملی، قوی شدن انتخابات بهره برداری مخالفان دولت از آن خواهد بود.

محکومیت جنایات اسرائیل

وحید مژده



در پانزدهم اکتوبر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل جلسه داد تا روی گزارش ریچارد گلدستون در مورد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در جریان جنگ ۲۲ روزهٔ غزه رای گیری نماید. از اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که شامل ۴۷ کشور است ۲۵ کشور به این گزارش رای مثبت ویازده کشور رای ممتنع دادند و شش کشور با آن مخالفت کردند.

قاضی گلدستون که از اهل افریقای جنوبی و خود یک یهودی است، وقتی بعنوان رئیس حقیقت یاب سازمان ملل متحد برای جنگ غزه انتخاب شد، بسیاری به این باور بودند که وی هرگز یک گزارش بیطرفانه در مورد این جنگ که در آن اسرائیل دست به جنایات تکان دهنده علیه فلسطینی ها زد، ارایه نخواهد کرد. اما ابعاد این جنایات بحدی وسیع و روشن بود که حتی شخصی چون گلدستون هم نتوانست آنرا نادیده بگیرد.

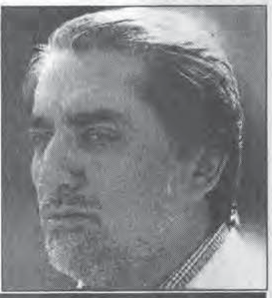
آنچه که در این جریان بسیار عجیب بود رای ممتنع انگلستان به این گزارش بود. کشور انگلیس در گذشته از حامیان جدی رژیم صهیونیستی بوده است. این مسئله نیز نشان از ابعاد وسیع و غیرقابل اغماض جنایت از جانب رژیم صهیونیستی دارد که حتی دوستان قدیمی اسرائیل را نیز واداشت تا در موقف خود تجدید نظر نمایند.

در جریان جنگ بیست و دوروزهٔ غزه ۱۴۰۰ فلسطینی شهید، ۵۵۰۰ نفر زخمی و حدود بیست هزار خانهٔ مسکونی مردم غزه ویران شد. اسرائیل این جنایات را جلوی چشم رسانه های بین المللی و سازمان ملل متحد انجام داد و حتی دفتر سازمان ملل متحد که در آن زنان و اطفال پناه گرفته بودند نیز مورد هدف رژیم صهیونیست قرار گرفت.

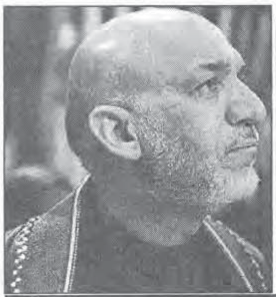
قبل از رفتن این گزارش به شورای حقوق بشر، امریکا و رژیم صهیونیست تلاش های زیادی را برای جلوگیری از رفتن گزارش به شورای امنیت انجام دادند. کار بجائی رسید که حتی حکومت خودگردان فلسطین برهبری محمود عباس تحت فشار قرار گرفت و خواستار تعویق ارائهٔ این گزارش شد. این عمل حکومت فلسطینی نشان از عمق توطئه ای دارد که علیه ملت مظلوم فلسطین در جریان است و ادارهٔ خودگردان فلسطین برهبری ابومازن نیز بخشی از همین توطئه است. این اداره وقتی پس از افشای این مسئله مورد فشار و انتقاد های شدید رسانه ها در جهان عرب قرار گرفت، اعلام داشت که برخی از کشور های عربی نیز در این کار دست داشته و ادارهٔ خودگردان فلسطین را تحت فشار قرار داده بودند و اگر این گونه کشور ها دست از انتقاد از ادارهٔ فلسطینی برندارند، نام آنان را افشاء خواهند کرد. به این ترتیب یکبار دیگر واضح شد که بعضی از رژیم های مزدور در جهان عرب هرچند در ظاهر دم از جانبداری فلسطینی ها و حمایت از موقف برحق این ملت مظلوم می زنند اما در خفا دست در دست دارند. نمایندهٔ اسرائیل در سازمان ملل متحد ضمن انتقاد از این گزارش، آنرا پاداشی به تروریست ها خواند و نمایندهٔ امریکا گفت که از این تصمیم شورای حقوق بشر ناامید شده است. نمایندهٔ فلسطین گفت که ما خواهان عدالت و محاکمهٔ جنایت کاران جنگی هستیم. در این گزارش از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته شده است تا در صورتیکه طرفین اسرائیلی و فلسطینی نتوانند تحقیقات مستقلی انجام دهند، این موضوع را به محکمهٔ جنائی بین المللی در لاهه راجع سازند.

جنایات اسرائیل علیه مردم مظلوم فلسطینی تازگی ندارد اما اینکه محمود عباس و تشکیلات تحت فرمان وی چرا دست بدست اسرائیل داده اند، واضح است. پس از مرگ مشکوک یاسرعرفات که گفته شد بشکل مخفیانه مسموم گردید پروندهٔ آن مسکوت گذاشته شد، محمود عباس به قدرت رسید. او از همان آغاز با حکومت فلسطینی که توسط حماس و با رای مستقیم و دیموکراتیک مردم فلسطین بمیان آمد مخالف بود. دراین کار و جهان غرب و برخی رژیم های در جهان عرب همدست شدند. تلاش های بسیاری برای بی اعتبار شدن و از میان رفتن این حکومت صورت گرفت که تحریم های اقتصادی بخشی از آن بود. مردم مسلمان فلسطین با همهٔ مشکلات، از حکومت تحت رهبری حماس حمایت کردند و وقتی دشمنان فلسطین دیدند که نمی توان این حکومت را که از حمایت مردمی برخوردار است با تحریم اقتصادی از میان برداشت، به فکر راهکار های نظامی شدند. نخست سازمان فتح علیه حماس دست به حمله زد و چون این توطئه با شکست مواجه شد و حماس بر غزه مسلط گردید، صهیونیست ها نقشهٔ دیگری طرح کردند. حملهٔ اسرائیل به غزه بخشی از توطئهٔ بزرگی بود که اسرائیل با همدستی گروهی برهبری ابومازن و برخی رژیم های عرب علیه مردم غزه براه انداخت. این جنک بیست ودو روز طول کشید که سرانجام حماس با حماسهٔ بزرگ، این حمله را به عقب زد. امید ... **ادامه درص۷**

د ولسمشرۍ د ټاکنو دوهم پړاو ته تګ، عکس العملونه او ګواښونه



اوس پاتي شو داخبره چې د کرزي او ډاکترعبدالله ترمينځه دغه د دوهم پړاو ټاکني به ترکومه حده ممکني وي او دچاته ګټه به وي؟ او دا چې دافغانستان د اوسنيو امنيتي شرايطو په رنا کې يې په وړاندې کوم ګواښونه موجود دي، غواړو چې دلته پدې موضوع څه مکث وکړو



شفيق

د پوره دوه و مياشتو لـه ځنډ وروسته د ولسمشرۍ د ټولټاکنو د پايلو هغه مشوره خلاصه شوه چې پکې د بې بريده درغليو لامله د ټولټاکنو د خپلواک کميسيون او شکاياتو د کميسيون ترمينځه دفتې باسل توپ جوړ شوی وو او ريفري توب ته يې له ټاکلې شوی کميسيون پرته نورو بهرنيو هم رادانګلي وو.

شکايتونو دکميسون د راپور په نتيجه کې د افغانستان د ولسمشرۍ ټولټاکنې دوهم پړاو ته لاړلې چې لـه مخې به يې په لومړي پړاو کې په لومړي او دوهم لمبر راغلو هر يو: ولسمشر کرزي او ډاکتر عبدالله ترمينځه د نومبر د مياشتې په اومه چې د لرم شب رسمي سره برابره ده. ترسره کيږي.

که څه هم دغه پريکړه د ولسمشر کرزي په ګټه نه وه او داوس مهال لپاره دشکايتونو د کميسيون دغه فيصله د ډاکتر عبدالله يو څه برياليتوب ګڼلې کيږي خو ولسمشر کرزي د نړيوالو د منځګړيتوب او فشارونو په نتيجه کې په تر سره شوو ټولټاکنو کې شوې درغلۍ و منلې او د ټولو رايو د ريمې برخې شميره يې جعلي و ګڼله چې د دې شمېرې ډيره برخه د کرزي د پلويانو لخوا کايدلي ده او په نتيجه کې يې د نوموړي په برخه اعلان شوې څلورپنځوس سلنه نه څلويښت اعشاريه شپږ سلنې ته را ښکته شوه چې د ټولټاکنو دوهم پړاوته دتګ غوښتونکي وګرځوي شوه په داسې حال کې چې دا پريکړه له حقوقي اړخه د ډيرو په اند صحيح نده، ځکه چې کله د يوې ټولټاکنې هره دريمه رايه د جعل او تزوير له مخې لوئيدلي وي نو هلته بايد ټوله پروسه ناسمه و ګرځولي شي. ولې چې د چا په ګټه چې رايې له واقعي رايو څخه زياتي شوې وي نو خامخا ډير پکې د نورو له رايو څخه راټيټې شويدي او ددې امکان موجود وي چې په پاتي کانديدانو کې هم ځيني د ځيني نورو لخوا زيانمن شوي وي او رايي کمي شوي وي.

خو دهيواد د اقتصاد حالت په نظر کې له نيوله سره ښايي نړيوالي ټولنې، او هم په آساسي قانون کې د داسې حالت لـه مخه د نه پيشبينۍ لامله يوناما او دافغانستان په سياسي افق مطرح ستور او د کوشنر، جان کيري، خليلزاد او نور د هيواد مصحلت پدې کې ليدلې وي چې دوهم پړاو ته په تګ سره دي يوازې د دوو پورته رايو وړونکو ترمينځه ترسره شي خو پروسه آسانه او دکاغذ لګښت کم وشي.

اوس پاتي شو داخبره چې د کرزي او ډاکترعبدالله ترمينځه دغه د دوهم پړاو ټاکني به ترکومه حده ممکنې وي او دچاپه ګټه به وي؟ او دا چې دافغانستان د اوسنيو امنيتي شرايطو په رنا کې يې په وړاندې کوم ګواښونه موجود دي، غواړو چې دلته پدې موضوع څه مکث وکړو.

د دوهم پړاو په ټاکنو کې مطرحو لوريو هر يو: ډاکترعبدالله او ولسمشر کرزي دغه پريکړه ومنله او په ځانګړې توګه ښاغلي کرزي د زړه د پاسه و منله او دواړو يې په هکله د تياريو لرلو څرګندونې هم وکړې، خو دافغانستان د مختلفو ولايتونو خلکو يې په هکله بيلابيل نظرونه او لاځينو خوپکي ملاحظې هم څرګندې کړې، ځکه له يوې خوا د آساسي قانون سره سم بايد د پړاو د پنځلس ورځو په تيريدو سره تر سره شي . پداسې حال کې چې همدا اوس دهيواد په ځينو ولايتونو لکه شمالي او ځينو ختيځو ولايتونو کې د موسم د يخوالي لامله ښايي ټولټاکنې ناممکنې وګرځي. او له بلې خوا پدې کمه موده کې په څنګه يوناما وکولای شي چې د ټولټاکنو په شفافيت سره د ترسره کولو لپاره دپاک نفسو مامورينو په ټاکلو سره لازم اقدامات وکړي کوم کار چې د ټولټاکنو د شفافيت د تضمين کولو لپاره اړين دي او که داسې ونشي نو دوهم پړاو به هم د لومړي په څېر د درغليو د پهلوانيو نندارتون وي او بس.

همدارنګه دهيواد اوسنی امنيتي وضع لـه پخوا څخه هم خرابه شوې ده ښايي دېر هيواد وال د دولت مخالفو طالبانو له ويرې په ټولټاکنو کې په هغه کچه ګډون ونکړي چې په تير پړاو کې يې ګړي وو او همدارنګه سره دګنو ګواښونو او چلنجونو به تير ځل کې د خلکو د ګډون او رايو اچولو نتيجې چې د دوو مياشتو اوږد انتظاروو ولس بې باور کړيدي او ښايي چې په دوهم ځل رائو اچولو يې علاقه و نه ښايي او په ټاکنو کې دګډون سلنه دومره ټيټه شي چې په اخلاقي توګه ډيرو رايو وړونکي کانديد ته هم دهغه ضمير اجازه ورنکړي چې ځان منتخب ولسمشر وګڼي. پداسې حال کې چې په لومړي ځل ټولټاکنو کې هم يوازې ديرش فيصده خلکو ګډون کړي وو، چې هغه هم ډيره ښکته فيصده وه.

نوځکه ددغو ګواښونو او چلنجونو په رڼاکې يوناما ته پکار دي چې هم دټولټاکنو د شفافيت د تضمين لپاره لازم اقدامات وکړي چې په هغې کې دهغو ځايونو دمحلونو د مشرانو او مامورينو بدلول او هم دټولټاکنو په کميسيون کې او که ضرورت اوسي د شکاياتو د کميسيون په غړوکې څه تبديلی راوستل شامل دي او هم نړيواله ټولنه او يوناما دنده لري چې ټولټاکنې په ولاياتو کې د واليانو امنيتي قوماندانانو او نورو مسولينو له اغيز اولاسوهنو څخه وژغورلي شي.

او هم نړيواله ټولنه او د ناټو ځواکونه دا تضمين کړي چې د ټولټاکنو د څارلو لپاره نړيوال څارونکي له ولايتونو او ولسواليو څخه هم کتنه وکړي. ځکه د ټولټاکنو جريان له نژدې څخه وګوري او شفافيت يې يقيني کړي. ځکه دټولټاکنو خپلواک کميسيون چې د ولسمشر کرزي لخوا ټاکلي شوې دي لادپخواڅخه پرې د ولسمشرکرزي دپلويتوب تورلګيده نو يوازې نړيوال څارونکي او دفيفا خپلواکه اداره کولای شي چې پدې هکله د ټولټاکنو د کنترول لپاره اغيزمن رول ولوبوي او دا په هغه صورت کې ممکن چې نړيوال څارونکي لـه ډيرو او ليروسيمو څخه هم کتنه وکړي

قرآن معجزهٔ جاويدان

سيد احمد اشرفی **قسمت هشتم**

و بنا بـه گفتهٔ دانشمند مصری **دکتور زغلول النجار**، استاد رشتهٔ جیالوجی و مدیر انستیتوت مارکفیلد در انگلستان، کوهها در زمین دقیقاً مانند میخ بوده، هر کوهی تا حدود ده الی پانزده برابر ارتفاعش در روی زمین، درعمق آن فرو رفتگی دارد.

۶- قلت آکسیجن در ارتفاعات بلند: قرآن گمراهان را در پذیرش حق، به کسی تشبیه می کند که به طرف آسمان بالا می رود، یعنی همچنان که صعود به طرف آسمان مشکل و طاقت فرساست، قبول حق برای گمراهان نیز یک عمل دشوار و طاقت فرسامی باشد. چنانچه می فرماید: آنکس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای(پذیرش) اسلام، گشاده می سازد و آنکس را که(بخاطراعمال خلافش) بخواهد گمراه سازد، سینه اش را تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا رود. (انعام: ۱۲۵)

امروزعلم جدید به اثبات رسانیده که هوا در زمین و پیرامون آن فشرده تر و برای تنفس انسان آماده تر می باشد، اما به هر اندازهٔ که به جهت بالا صعود می کنیم، هوا رقیق تر و میزان وجود آکسیجن کمتر شده می رود، تا حدی که اگر چند کیلومتر بالاتر برویم میزان آکسیجن به اندازه ای کم می شود که دیگر از نفس تنگی امکان ادامهٔ صعود و یا حتی ادامهٔ زندگی باقی نمی ماند. از همین جهت است که کیهان نوردان هر گاه که به فضا سفر می کنند با خود آکسیجن می برند. واین شگفت انگیزاست که قرآن این موضوع را هزارو چهار صد سال پیش با این وضاحت مطرح کرده است. همچنان درآیهٔ فوق بطور ضمنی پیش بینی شده که انسان روزی به آسمان صعود خواهد کرد. در گذشته که علوم طبیعی زیاد رشد نکرده بود، کسانی که این آیت را می خواندند می [illegible] مجازی و برای تمثیل است.اما امروز که پیش بینی [illegible] متحقق شده، و انسان به فضای خارجی قدم گذاشته، ما می توانیم درک کنیم که منظور از صعود در قرآن، حقیقی و واقعی بوده است نه مجازی.

۷- خطوط سر انگشت، دقیق ترین نشان درجسم انسان: علم اثبات شخصیت که در جرم شناسی ازآن استفاده می شود، به این نتیجه رسیده است که دقیق ترین و بدیع ترین نشان در جسم انسان خطوط سرانگشتان اوست. و جالب اینکه در میان همهٔ انسانهای روی زمین، نشان انگشت هیچ شخصی به شخص دیگر حتی اگر توأم هم باشند، مشابهت ندارد. از این جهت، امروز دادگاهها و مراکز قضایی و پولیسی، نشان انگشت را به حیث یک دلیل محکم و خلل ناپذیر برای اثبات هویت دزدان و بزهکاران و سایر اهداف قانونی پذیرفته است. شگفت انگیزاست که قرآن، قرنها پیش به این مسأله اشاره نموده می فرماید: « أیحسب الإنسان أن لن نجمع عظامه، بلی قادرین علی أن نسوی بنانه» آیا انسان می پندارد که هرگز استخانهای او را جمع نخواهیم کرد؟ آری قادریم که خطوط سر انگشتان او را موزون و مرتب کنیم. (قیامه:۳-۴)

در این آیت، قرآن از میان سایر اعضای بدن انسان، سرانگشتان او را برجسته نموده، با بیان اینکه قدرت پروردگار در خلقت دوبارهٔ انسان، شامل آن نیز می شود، بطور خاص به آن تأکید کرده است.

۸- اهمیت آهن و نقش آن در تمدن بشری: یکی از سوره های قرآن، حدید یعنی آهن نام دارد. خداوند دربارهٔ آهن دراین سوره می فرماید: و آهن را نازل کردیم که درآن نیروی شدید و منافعی برای مردم است.(حدید:۲۵)

در آیهٔ فوق به دو حقیقت علمی اشاره شده است: حقیقت اول اینکه آهن موجود در زمین از آسمان فرود آمده است. و حقیقت دوم اینکه آهن دارای منافع زیاد بوده، وسیلهٔ نیرومندی و قوت است. و این حقایقی است که علم روز به آن گواهی می دهد. چنانچه دانشمندان علوم تجربی کشف کرده اند که آهن موجود در زمین از آسمان فرود آمده است. ایشان در توجیه و تعلیل علمی آن می گویند: در فضای بیکران، ستاره های بزرگی وجود دارد که پس از طی مراحلی در اثر آمیزش و تعامل اتمی گداخته شده درجهٔ حرارتش تا صدها ملیون درجه بالا می رود، واین حالت منجر به پیدایش آهن می گردد.

ادامه دارد

تقلب در انتخابات خیانت است وباید خائن محاکمه شود

ادامه از صفحه ۸

دموکراسی ومردم سالاری اعتمادنموده و در فرایند به کاندیدای مورد نظر خود در دور دوم رأی بدهند.

نماینده مردم بدخشان درشورای ملی علاوه کرد، کسانی که تقلب و جعل کردند باید به اساس قانون جزایی افغانستان محاکمه شوند.

او اضافه کرد، تقلب در انتخابات یک خیانت ملی محسوب می شود و به اساس قانون خائن باید محاکمه گردد. او افزود، رفتن به دور دوم در انتخابات خالی از چالش ها نیست، نهاد های مسئول بایدتوجه بیشترداشته باشند تا زمینه های که تقلب از آن سرزده است از میان برده شود. بانو کوفی، اعضایی کمیسیون انتخابات را متهم کرد که درتقلب دست بالای را داشتند و باید ازکار برکنارشوند.

کوفی عدم امکان برگزاری انتخابات را دربرخی مناطق دور افتاده به دلیل سردی هوا ناممکن دانست واضافه کرد که این چالش می تواند عادلانه وهمگانی بودن انتخابات را زیر سوال ببرد.

احمد بهزاد عضو مجلس نمایندگان می گوید:

برگزاری یک انتخابات شفاف، آزاد، عادلانه و سالم در دور دوم منوط به تغییر فضای مسمومی است که درانتخابات دور اول مردم ما شاهد آن بود. او یکی از عوامل موثر درشکل دادن تقلب وتبانی برای دستبرد درآرای مردم افغانستان در دور نخست را ، ترکیب کنونی کمیسیون انتخابات میداند.

آقای بهزاد افزود، کمیسیون که به طور یک جانبه ازطرف یک نامزد گماشته باشد به هیچ عنوان نمی تواند بی طرفی خود را حفظ نماید. نماینده مردم هرات گفت: مردم شاهد بودند، درآخرین لحظات، کمیسیون نامستقل انتخابات بدون اجازه آقای کرزی حتی جرأت اجراآت نتایج بررسی های کمیسیون شکایات را نداشتند ودیده شد که بعد از این که کرزی رفتن به دور دوم را بعد ازچانه زنی ها با خارجی ها پذیرفت، نتایج را اعلان کردند. آقای بهزاد افزود، برای این که انتخابات دور دوم ازتقلب مصئون بماند. باید افراد صالح از جناح های بی طرف یا هم به طور مساویانه از هردوکاندیدا درکمیسیون انتخابات تقرر یابند.

میراحمد جویند عضو دیگر شورای ملی می گوید: درفرایند جنجال های که در نتایج انتخابات مبنی برتقلب رخ داد، آقای کرزی به خواست مردم افغانستان وفیصله های کمیسیون شکایات تن در دادکه در ذات خود یک اقدام خوب بود وبرای نخستین بارقانون درکشور حاکم شد و این یگانه راه بود که مردم را ازبحران نجات داد.

آقای جویند درپاسخ به این سوال که دولت هنوز برسرقدرت است، چه ضمانتی وجود دارد که باردیگر این تقلب تکرارنشود؟ افزود، درانتخابات ۲۹ اسد، ۲۶۰ ناظربین المللی در کشور وجود داشت، این ها وظایف خود را درست انجام ندادند، درانتخابات دورنخست ناظران بین المللی و ناظران کاندیدا ها مسوولانه عمل نکردند که باید این اشتباه را در دور دوم تکرارنکنند.

اواضافه کرد درانتخابات گذشته درچندین حوزه رأی دهی رفتم، هیچ ناظرملی وبین المللی را ندیدم،آقای جویند اظهار امید واری نمود که درانتخابات پیش رو نباید چنین سهل انگاری تکرار شود وهمان گونه که رأی دهنده خطر را قبول نموده به حوزه های رأی دهی می روند، ناظران نیز باید به اساس وظیفه ومسوولیت که دارند درصحنه حضور یابند.

قاضی نذیر احمد نماینده مردم هرات می گوید:

کمیسیون انتخابات دراین تقلب دست داشتند، باید اعضایی برجسته این کمیسیون برکنارشده کسانی به جای آنها نصب شوند که وقار ملی، حیثیت وآبروی انتخابات را حفظ کنند.

واکنش های نمایندگان مردم درحالی صورت گرفت که سرمنشی سازمان ملل متحد آقای بان کی مون هم خواهان برکناری چهره های بد نام اعضای کمیسیون مستقل انتخابات شد.

طبق یک خبر دیگر بیش از دوصد کارمند این کمیسیون در نتیجه فشارهای بین المللی درسراسر افغانستان از وظایف شان برکنار خواهند شد.

چندین کشته و مجروح در اثر سه انفجار در پاکستان

سه انفجار همزمان روز جمعه اول عقرب، در شمال غرب پاکستان موجب کشته شدن ۲۲ نفر و مجروح شدن چندین نفر دیگر شده است.با این حملات شمار قربانیان بمبگذاری یک ماه اخیر در پاکستان به حدود ۲۰۰ نفر می رسد.

در مورد تازه ترین حمله، یک مقام دولتی در منطقه قبایلی مومند به رسانه ها گفته است که برخورد یک موتر با مین موجب کشته شدن دست کم ۱۵ نفر شد.قربانیان حادثه کسانی بودند که از یک مجلس عروسی باز می گشتند. پیشتر، حمله به یک پایگاه نظامی در شمال غرب پاکستان موجب کشته شدن ۷ نفر شده بود.

در این حمله، هنگامی که ماموران امنیتی بمبگذار انتحاری را در یک ایستگاه بازرسی نزدیک به پایگاه متوقف کردند وی بمبی را که



با خود داشت منفجر کرد.

از این پایگاه برای تعمیر هواپیماهای نیروی هوایی پاکستان استفاده می شود.

دو نفر از قربانیان از پرسونل امنیتی و پنج نفر دیگر غیرنظامی بودند.

در سومین انفجار، یک رستوران در پیشاور هدف قرار گرفته بود که منجر به مجروح شدن دست کم ۱۰ نفر شد.

در این حمله بمبی که در یک موترکار گذاشته شده بود با کنترول از راه دور در پارکینگ یک رستوران منفجر شد.

پیشاور مرکز منطقه آشوبزده شمال غرب پاکستان است.

این حملات در حالی صورت گرفته که ارتش پاکستان به پیشروی در مراکز قدرت طالبان در وزیرستان جنوبی در نزدیکی مرز افغانستان ادامه می دهد.

این انفجارها همچنین در پی یک رشته حملات انتحاری در سراسر پاکستان است که از آغاز ماه جاری میلادی حدود ۲۰۰ کشته به جا گذاشته است.

صلیب سرخ بین المللی هشدار داده است که افزایش تلفات غیرنظامیان در نتیجه جنگ در وزیرستان جنوبی "بسیار نگران کننده" است.

ژاک دو مایو، رئیس فعالیت های صلیب سرخ در جنوب آسیا گفت اجازه دسترسی امدادگران به مناطقی که ارتش پاکستان در آنجا در حال عملیات علیه طالبان است، داده نمی شود.

وی افزود که لازم است افراد بیمار و مجروح بتوانند بدون اشکال و به طور موثر به خدمات پزشکی دسترسی داشته باشند.

جنگ در وزیرستان ...

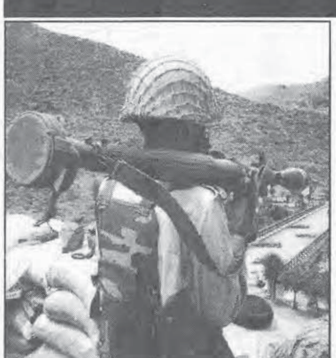
های امریکا به این کشور باز نماید.

اما مشکل تنها در وزیرستان جنوبی نیست. در وزیرستان شمالی دو فرمانده قدرتمند طالبان محلی بنام های ملا نذیر و حافظ گل بهادر وجود دارند که با دولت پاکستان رابطهٔ خوب دارند اما احساسات ضد امریکائی در طالبان این منطقه مانند وزیرستان جنوبی است. ارتش پاکستان اعلام نموده که با این دو فرمانده و افراد تحت امر آنان مشکلی ندارد و فعلا مشکل بیشتر با جنگجویان قبیلهٔ محسود است.

دولت پاکستان نامهٔ سرگشاده ای به مردم قبایل وزیر و محسود فرستاده و از آنان تقاضا نموده که علیه طالبان به ساختن لشکر قومی بپردازند و علیه آنان بجنگند. دولت پاکستان امیدوار است که مردم همان کاری را بکنند که در سوات کردند و با ساختن لشکر قومی، به جنگ علیه طالبان پرداختند.

خط دیورند میان وزیرستان و افغانستان کوهستانی و دارای جنگل است که می تواند وسیلهٔ خوبی برای استتار فراهم نماید. این احتمال وجود دارد که تعدادی از جنگجویان در صورتیکه شرایط را بر خود ناگوار بیابند، به افغانستان بیایند.

مردم غیرنظامی این منطقه از مدتها قبل با درک این خطر که ممکن است



حملات آغاز گردد تلاش نمودند تا به جاهای دیگر بروند اما هنوز هم عده ای در مناطق جنگی باقی مانده اند. تلفات غیرنظامیان می تواند برای اردوی پاکستان چالش آفرین باشد.

جالب است که وزیرستان همیشه به عنوان سرزمین تسخیر ناپذیر حتی در زمان استعمار انگلیس شناخته می شد و دولت های گذشته در افغانستان همیشه هرنوع تحرک اردوی پاکستان در این مناطق را غیر قابل تحمل می دانستند وحتی در دوران دو جنگ میان هند وپاکستان، دولت افغانستان از حملهٔ هوائی هندوستان به مناطق قبایلی هوشدار می داد اما اکنون دولت افغانستان بیش از پاکستان تشنهٔ شدت عمل علیه قبایل این منطقه است. قبایلی که هم در استقلال افغانستان از چنگ انگلیس ها و هم در جهاد علیه اتحاد شوروی سهم فعال داشتند. به نظر می رسد که پشتونستان دیگر مانند بابای ملت جان به جان آفرین سپرده است! آیا چنین نیست؟

جنایات اسرائیل ...

ابومازن برای نابودی حماس و بدست آوردن نواز غزه نقش برآب گردید. در حالیکه در طی این بیست ودو روز، صدها هزار فلسطینی به مشکلات شدید اقتصادی مواجه شدند و شفاخانه های غزه حتی فاقد داروهای بیهوش کننده برای تداوی مجروحان بود، محمود عباس از بستن گذرگاه رفح توسط دولت مصر و بمباران تونل های مرزی که تنها راه رسیدن مواد ضروری به نوار غزه بود، حمایت کرد.

دیزموند تراوس که یکی دیگر از اعضای تهیه کنندهٔ گزارش حقیقت یاب است گفت که فلسطینی ها حق داشته اند برای دفاع از خود گروه های نظامی تشکیل دهند. وی گفت که زیرساخت های اقتصادی و عام المنفعه در نوار غزه در نتیجهٔ این جنگ از میان رفته و یک بحران زیست محیطی بمیان آمده است. وی محاصرهٔ اقتصادی غزه را یک عمل غیر انسانی خواند و خواهان از میان برداشتن آن شد.

روزنامهٔ اسرائیلی آهارتس در عقب گزارش گلدستون دست امریکائی را می بیند و با همین داوری نوشته است که باراک اوباما با گزارش گلدستون قصد دارد تا بینامین ناتانیاهو را زیر فشار قرار دهد تا طرح صلح با فلسطینی ها را بپذیرد.

هرچند با توجه به قدرت حامیان صهیونیسم نمی توان امید داشت تا جنایتکاران اسرائیلی به دادگاههای بین المللی برای محاکمه کشیده شوند، اما اینکه برای نخستین بار یک مرجع با اعتبار بین المللی اسرائیل را به جنایات جنگی متهم می کند برای ملت مظلوم فلسطین می تواند یک پیروزی بشمار آید اما این نکته واضح است که راه پیروزی این ملت مظلوم فقط در مقاومت و جهاد است و کنفرانس ها و گردهمائی ها درد این ملت مظلوم را دوا نخواهد کرد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ سی ام ۲ عقرب- ۱۳۸۸ -۵ ذو القعده ۱۴۳۰ 24-octobr 2009-

جنگ در وزیرستان

ابوبکر سبزوار



پس از مدتها آمادگی سرانجام نیروهای پاکستانی به وزیرستان جنوبی یورش بردند و مواضع مستحکم طالبان محلی را مورد حمله قرار دادند. این کار پس از آن صورت گرفت که ایالات متحدهٔ امریکا دادن کمک سالانه یک و نیم ملیارد دالری به اسلام آباد را مربوط به مبارزهٔ جدی این کشور علیه اسلامگرایان افراطی در مناطق مرزی این کشور نمود.

هرچند از آغاز حمله چند روز سپری شده اما تاکنون هردو طرف ادعای وارد آوردن تلفات بر طرف مقابل را دارند. شاهدان عینی از بمباران های شدید طیارات پاکستانی بر مواضع طالبان در این منطقه خبر می دهند که نشان می دهد حملات زمینی اردوی پاکستان به مشکل موأجه است.

اردوی پاکستان اعلام نمود که در طول چند روز گذشته تعدادی از طالبان مسلح را کشته و مجروح نموده و انبار های اسلحه از جمله دو ماشیندار ضد هوائی شورشیان را که در قلهٔ کوهها برای مقابله با حملات هوائی نصب شده بود، بدست آورده است.

از زمان بمیان آمدن دولت منتخب در پاکستان به نظر می رسد که این کشور دربرابر طالبان روش تندتری را اتخاذ نموده است. قبلا نیروهای پاکستان با عملیات وسیع در منطقهٔ سوات، مقاومت طالبان در این منطقه را از میان بردند و حتی خبر دستگیری مولانا فضل الله رهبر طالبان سوات هم از طریق رسانه ها به نشر رسید و کسانی چون مولوی عمر سخنگوی طالبان نیز دستگیر شد. کشته شدن بیت الله محسود رهبر قدرتمند طالبان محلی توسط طیارات بی سرنشین امریکائی موجب شد تا طالبان دچار دودستگی شوند. از جانب دیگر مسئله ای که موجب تشویق اسلام آباد به حمله به مواضع طالبان شد این بود که مردم در مقایسه با چند سال قبل، اکنون کمتر از طالبان جانبداری می کنند. طالبان در دروان سلطهٔ شان به مناطق قبایلی و ضلع سوات مرتکب اعمالی شدند که مردم را از آنان بیزار ساخت. بستن مکاتب دخترانه، کشتن مردم بنام جاسوس و سخت گیری های بیش از حد در برابر مردم موجب گردید که حتی مردمی که تا چندسال قبل خواهان تطبیق قوانین شرعی در مناطق شان بودند، در این خواست خود تجدید نظر کنند. طالبان که به حمایت مردمی زیاد اهمیت نمی دادند،

هرگز درصدد بر نیامدند تا در روش خود تجدید نظر نمایند و این خود موجب شد تا آنان وجههٔ خود را در نزد مردم از دست بدهند و مردم راه همکاری با دولت را در پیش بگیرند. یکی از کسانی که چند ماه قبل از منطقهٔ رزمک در وزیرستان جنوبی آمده بود به نگارنده گفت که دولت پاکستان در مناطق تحت کنترول طالبان در وزیرستان جنوبی مانند نهضت آزادیبخش عمل می کند. مردم از عملکرد های طالبان که اکثرا کم سواد و فاقد دانش دینی اند به ستوه آمده اند.

دولت پاکستان از جانب امریکا تحت فشار بود تا برای بهبود وضع در افغانستان باید در مناطق سرحد دست به عملیات جدی تری بزند. دولت افغانستان همیشه پاکستان را به تجهیز و پناه دادن به طالبان در مناطق قبایلی این کشور متهم می کرد. عملیات اخیر می تواند این فشار را بر پاکستان از میان بردارد و راه را برای کمک ... **ادامه درص ۷**

تروریسم منطقه

همنوا

سالهاست که کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، هند و ترکیه، به درجات متفاوت آماج حملات تروریستی قرار می گیرند. ده ها هزار تن در جریان این حملات کشته شده و هنوزخطر این حملات هرروز وجود دارد!

حادثهٔ تروریستی یکشنبه ۲۶ میزان در ایالات سیستان و بلوچستان ایران نشان داد که این حملات، سرحد را نمی شناسد و به صورت روزافزون گسترش می یابد.

حملات تروریستی در اکثر کشورها، صبغه و خصلت مذهبی دارد و تروریست ها آن را وجیبهٔ مذهبی خود می دانند و ادعا دارند که:

امریکا و همپیمانانش به اشغال افغانستان، عراق و پاکستان پرداخته و جهاد علیه آنان فرض است. این تروریست ها از احساسات دینی مردم سوء استفاده می نمایند وحملات انتحاری را سازمان می دهند وهمواره در پی جلب حمایت و یا حفظ حمایت مردم می باشند.

درجریان این عملیات و حملات، تا کنون ده ها هزارتن از مردم بیگناه به شهادت رسیده اند و تعداد



کمی از سربازان خارجی کشته شده اند! در هند، عمدتاً گروه های مذهبی مورد حمایت پاکستان به همچوعملیات وحملات دست می زنند و اشغال سرزمین اسلامی کشمیر توسط هند را بهانه می آورند.

درایران نیز گروه جندالله که علیه حکومت ایران، به مبارزه برخاسته اند و آن را بهانه یی برای کشتار مردم بیگناه قرار می دهند. این گروه ها در افغانستان، ایران، پاکستان وهند از یک قماش اند و با القاعده پیوند دارند. زنجیری متشکل از این گروه ها برای امنیت و سلامت همه کشورهای منطقه یک خطر بزرگ است. احتمال قوی وجود دارد که دامنهٔ فعالیت این گروه ها به کشورهای شمالی افغانستانی نیز گسترش یابد ولی آنچه بسیار مهم ودر خور توجه است نقش کشورهای قربانی تروریسم در تقویت تروریست ها علیه یکدیگر است.

افغانستان و هند همواره پاکستان را مقصر می دانند که پایگاه اصلی تروریست هادر خاک آن کشور قرار دارد.

پاکستان، هند وافغانستان را متهم می کند تروریست های ضد پاکستان را تجهیز و تمویل می کنند.

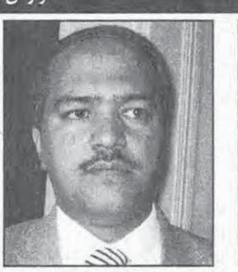
غرب، ایران را متهم میکند که در آشوب های عراق دست دارد و.... هرگاه این کشورها علیه یکدیگر به چنین اعمالی دست بزنند، بی گمان که این فاجعه همچنان ادامه خواهد یافت.

شماری از نمایندگان مردم در مجلس:

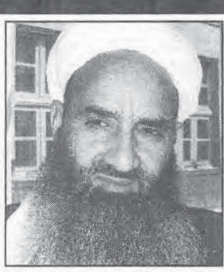
تقلب در انتخابات خیانت است وباید خائن محاکمه شود

گزارش از: نذرالله عنایت









بعد ازهمه چانه زنی ها وتقلب های سازمان یافته که ازسوی تیم برسر اقتدار به آرای مردم صورت گرفت، سرانجام صدای عدالت خواهانه مردم به کرسی نشسته انتخابات به دور دوم رفت.

اما هنوز مشکلات وچالش های فرا راه دور دوم انتخابات وجود دارد که باید از پیش بدان توجه صورت گرفته جلو وقوع آن گرفته شود. زیرا تجربه نشان داده است که تیم حاکم هنوز مانند گذشته با تمام ساز وبرگ اش پا برجا بوده، احتمال آن می رود که بازهم به آرای مردم دستبرد بزنند.

نمایندگان مردم درشورای ملی ضمن این که از رفتن انتخابات به دور دوم خوشحال به نظر می رسند و آن را پیروزی مردم افغانستان می خوانند، برای سلامت انتخابات را هکارهای را درنظردارند که باید بدان ها رسیدگی صورت بگیرد

خانم فوزیه کوفی نماینده مردم درمجلس می گوید:

برای مردم افغانستان چیزی که بسیارمهم بود، این که رأی صاف وواقعی شان از رأی تقلبی باید پاک می شد، خوشبختانه که این کارصورت گرفت ودرنتیجه انتخابات به اساس قانون اساسی وقانون انتخابات به دور دوم رفت.

خانم کوفی افزود، من خوشحال به این هستم که حد اقل سلامتی پروسه تاحدی تضمین شد ومردم ما اکنون می توانند به **ادامه درص ۷**